



## انرژی های ناشناخته انسان (بخش دوم) دکتر محسن فرشاد

در مقاله شماره قبل گفتیم که بیوفوتون، کوانتوم انرژی حیاتی انسان است. اکنون باید دید بیوفوتون چیست؟ بیوفوتون از لغت یونانی بیو به معنی زندگی و فوتون به معنی نور است؛ پس بیوفوتون یعنی نور زندگی. اما در اصطلاح علمی، به نوری اطلاق می شود که به نحوی از سیستم های زنده گسیل می شود. آن چه امروز ثابت شده، سیستم های زنده، از خود فوتون ساطع می کنند. اما هنوز دانشمندان نمی دانند که چگونه سیستم های زنده این کار را به انجام می رسانند؟ اما آن را به فرایند و ساختارهای پیچیده زیست شناختی موجودات زنده نسبت می دهند.

دایره المعارف ویکی پدیا می نویسد: "بیوفوتون، از لحاظ فیزیکی، یک ذره ابتدایی نیست؛ فقط یک فوتون ساده است که از یک سیستم زنده گسیل می شود."

بحث نگارنده این است که اگر بیوفوتون فقط از یک سیستم زنده گسیل می شود، مفهوم مخالف آن این است که فوتون از یک سیستم مرده ساطع نمی شود.

آیا سیستم زنده فقط به انسان و حیوان و گیاه اطلاق می شود؟ یا شامل جامد و مایع و گاز هم می شود؟ از دیدگاه فلسفه و عرفان شرق، همه چیز زنده است و کل هستی، زنده، هوشمند و آگاه است. پس سنگ و کوه و سیارات و آب ها و گازها همه زنده اند و نوری که از خود گسیل می دارند، تفاوتی با فوتونی که از انسان و حیوان و گیاه ساطع می شود، ندارند. احتمالاً در ساختار فیزیکی و ارتعاش با هم تفاوت دارند. البته ممکن است یک تکه چوب خشک و یا یک تکه فلز و یا یک سوزن و یا تمام اشیاء ساخت دست بشر، یک سیستم مرده و غیرزنده باشند، بنابراین فوتون یا نوری که از آنان ساطع می شود، فوتون معمولی است که از هر سیستم غیرزنده ای گسیل می شود.

بیوفوتون حامل موج اطلاعات زیستی انسان است. زیست فوتون دارای آگاهی حیاتی برای رساندن اطلاعات به همه اتم ها و ذرات تشکیل دهنده موجودات زنده است. به اعتقاد نگارنده، همه موجودات اعم از جماد و نبات و حیوان و انسان زنده هستند. مرده تنها عضوی است که از سیستم هستی جدا شده باشد؛ مانند شاخه بریده یک درخت و یا موی قیچی شده یک انسان.



است که یک میلیارد بار کوچکتر از یک باکتری است. استنباط نگارنده این است که در سال های آینده میکروارگانیسم هایی پیدا خواهند شد که میلیاردها بار کوچکتر از یک نانوباکتری است. این روند هم چنان ادامه دارد و ارگانیسم های بسیار کوچکتری یافت خواهند شد. باید پرسید: حیات تا کجا پایین می رود و حد آن کجاست؟



جمادات هم مانند گیاه و حیوان و انسان زنده اند. تمام اتم ها و مولکول های سنگ، آب و گاز، و پلازما برای حفظ ساختار و هدف این جمادات با هم کار می کنند و سیستم را نگه داشته و نمی گذارند آن ها مضمحل شوند. این آگاهی نشانه زنده بودن در حد وضعیت خود آن هاست. آن ها هم زنده اند، اما نحوه زندگی آن ها با انسان و حیوان و گیاه تفاوت دارد. انرژی حیاتی و ظرفیت آگاهی در سیستم های باز بی جان، در کم ترین ارتعاش

امروز جمادات را - مانند سنگ ها و کریستال ها- جامد

و مرده می دانند که بخشی از سیستم های بسته اند. اما سنگ ها و کریستال ها به دلیل این که از ذرات ابتدایی مثل اتم، و ذرات بنیادی مثل الکترون و کوارک و ابررسمان ها و دیگر وجودهای کوانتومی که تاکنون ناشناخته مانده اند، تشکیل شده اند، زنده و دارای انرژی حیاتی اند.

ما باید حیات عالم را به صورت یک فراگیر کل و

جامع بدانیم که همه هستی را، از خلاء دینامیک کوانتومی تا کل کیهان، در بر می گیرد. پس فوتون به عنوان کوانتوم امواج الکترومغناطیس به ویژه نور و کل انرژی عالم زنده، برنامه ریز و هوشمند است؛ حال می خواهد از انسان ساطع شود یا از لعل و یاقوت. بیوفوتون دارای دو دیدگاه فیزیکی و متافیزیکی است که نگارنده دیدگاه فیزیکی آن را تز، و اندیشه متافیزیکی آن را آنتی تز، و

استنتاج فلسفی از این دو را دیدگاه فلسفی بیوفوتون می نامد. فوتون از نظر فیزیکی بخشی از تشعشعات الکترومغناطیس ضعیف سلول های زنده زیست شناختی است.

خود قرار دارد اما وقتی به گیاه و حیوان و انسان می رسد، درجه روحی و آگاهی به بالاترین درجه می رسد.

پس بیوفوتون، هم از بدن سیستم های باز جاندار تابیده می شود، هم بی جان؛ فقط درجه انرژی و تابش آن ها تفاوت دارد. اما از یک سیستم بسته مثل جمادات، فوتون عادی هم

گسیل نمی شود مگر این که منعکس کننده نوری باشد که

به آن ها تابیده می شود. به طریق اولی، بیوفوتون از جمادات ساطع نمی گردد. پس وقتی از انسان و حیوان و گیاه بیوفوتون انتشار می یابد، آن ها دارای کالبد کوانتومی هستند.

نگارنده در کتاب "زرفای هستی" با تقسیم بندی سیستم های طبیعی به سیستم های زیست شناختی - یعنی زنده که شامل انسان و حیوان و گیاه می باشد- و سیستم های غیر زیست

شناختی - یعنی جمادات حتی آب و گاز- موافق نیست. امروز زیست شناسی وجود ویروس ها را که از میکروب های دیگر کوچکتر است، ثابت کرده است. کوچکتر از ویروس، نانوباکتری

از دیدگاه فلسفه و عرفان شرق، همه چیز زنده است و کل هستی، زنده، هوشمند و آگاه است.



ما باید حیات عالم را به صورت یک انرژی فراگیر کل و جامع بدانیم که همه هستی را، از خلاء دینامیک کوانتومی تا کل کیهان، در برمی گیرد.



وقتی سلول های زنده دارای تشعشعات الکترومغناطیس باشد، دارای انرژی الکترومغناطیس است. پس به کاربردن اصطلاح "میدان انرژی زیستی" در سلول های زنده و بالاتر از آن، در انسان و حیوان و گیاه از لحاظ علمی صحیح است. در دانش امروز برای این پدیده درخشش زیستی فوق ضعیف، اصطلاح درخشندگی تیره و درخشندگی شیمیایی فوق ضعیف به کار برده اند.

بیوفوتون، هم در برد قابل رؤیت، ثبت شدنی است و هم در پرتو ماوراء بنفش. در یک سانتی متر مربع از سطح یک سلول، از یک تا صد بیوفوتون در ثانیه گسیل می شوند. مقدار نوریک بیوفوتون قابل مقایسه با نوریک شمع است که از فاصله ده کیلومتری دیده می شود. بنابراین نور هم از لحاظ انرژی و هم از لحاظ تابش بسیار ضعیف است، اما در وجود آن، دیگر هیچ دانشمندی شک نمی کند.

از لحاظ فیزیکی بیوفوتون ممکن است یک ذره بنیادی نباشد، اما پیشنهاد شده که به عنوان یک حس ابتدایی پذیرفته شود. اکثریت بر این باورند که بیوفوتون کوانتوم نوری است که از همه سیستم های زیست شناختی ساطع می شود و انعکاسی از نظم خاص ماده در بیوسفر است.

بیوفوتون مورد توجه خیل عظیمی از دانشمندان شرقی، پزشکان شرق، متخصصین طب سوزنی، هنرهای رزمی، بیوفیزیک، زیست شناسی، شیمی و بیوشیمی، الهیات، عرفان و علوم ماورایی قرار گرفته است.

برای مثال، برخی از دانشمندان بیوفوتون را به "کی" نسبت داده اند که یک انرژی رازآمیز و منبع همه موجودات زنده است. اما انرژی "کی" هنوز از لحاظ علمی مورد آزمایش قرار نگرفته است. بنابراین، از این حیث انرژی "کی" صرفاً یک ساختار متافیزیکی و رازآمیز دارد.

انرژی موجودات زنده دارای حیات است و انرژی موجودات گسسته از سیستم کل، فاقد زندگی و در نتیجه مرده است.

بیوفوتون مورد توجه خیل عظیمی از دانشمندان شرقی، پزشکان شرق، متخصصین طب سوزنی، هنرهای رزمی، بیوفیزیک، زیست شناسی، شیمی و بیوشیمی، الهیات، عرفان و علوم ماورایی قرار گرفته است.

انرژی یک سیستم کلی است که آفرینش و پدیدار شدن آن درعالم، از رازهای بزرگ هستی است. نور، حرارت، انرژی های سازمان یافته چگونه در هستی پدید آمده اند؟ چگونه در دل سرمای نزدیک به صفر مطلق و تاریکی مطلق ناگهان انفجاری از نور، روشنایی و حرارت، آن هم درمقیاس میلیاردها درجه سانتی گراد پدید آمده است؟ آیا اندیشه آفریدگار به نور تبدیل شده است؟

ماده، چیزی جز تبلور آگاهی نیست. یک آگاهی و یک اندیشه و یک تعقل بزرگ و بی نهایت که تصور و درک آن برای ما انسان های زمینی بسیار دشوار و گاه غیرممکن است، تبدیل به انرژی و ذرات نخستین و عناصر شیمیایی شده است. مهم این است که در ماده آثار روح، آگاهی و حیات استنباط می شود؛ و وقتی به انرژی های کیهانی برمی خوریم که به معنی همکاری جمع انرژی های موجود در کیهان برای ایجاد حیات و تکامل است، در می یابیم که هدف آن ها رساندن نه تنها انسان، بلکه همه هستی به چکاد کمال و عظمت معنوی است. آن گاه به فلسفه انرژی های ناشناخته انسان پی برده و چه عاشقانه به رازهای ناگشوده و سر به مهر قلمرو وجود می اندیشیم و هرگز فراموش نمی کنیم که انسان به خاطر کوشش برای درک این اسرار از بهشت رانده شد؛ و با رنج خود در شناخت رازهای زندگی خود است که به کمال رسیده و به حیات زمینی خود معنی و مفهومی باشکوه تر خواهد بخشید.

انرژی یک سیستم کلی است که آفرینش و پدیدار شدن آن درعالم، از رازهای بزرگ هستی است.